

علمی-پژوهشی

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال هفتم، شماره (۲۲)، پاییز ۱۳۹۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۷

صص ۶۲ ° ۳۷

بررسی رابطه بین هویت ملی و سرمایه اجتماعی (بررسی موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز)

محمدتقی ایمان^۱، علی روحانی^۲

چکیده

هویت افراد در رابطه با دیگران شکل می‌گیرد و فرایند هویت‌یابی از بازشناسی فرد از دیگران آغاز می‌شود. در نتیجه، ارتباطات اجتماعی در این فرایند بسیار با اهمیت می‌شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و هویت ملی افراد مورد مطالعه در قالب پیمایشی اجتماعی، سعی نموده است نقش این ارتباطات اجتماعی را در هویت ملی افراد مورد بررسی قرار دهد. بدین جهت از سه گروه هویتی لر، کرد، آذری و گروهی از دانشجویان فارس زبان ۴۵۵ نفر به صورت تصادفی انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان پایین است و رابطه معنادار مثبت قوی‌ای میان سرمایه اجتماعی و هویت ملی گروه‌های هویتی مورد مطالعه مشاهده شد.

۱- ایمان@rose.shirazu.ac.ir

۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش تغییرات اجتماعی دانشگاه شیراز

نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که متغیر سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (مشارکت در نهادهای اجتماعی و اعتماد به نهادهای اجتماعی) به میزان ۴۴ درصد در میان گروه هویتی لر، ۲۷ درصد در گروه هویتی گُرد، ۱۴ درصد در گروه هویتی آذری و ۲۲ درصد در میان فارس‌زبانان تغییرات متغیر وابسته تحقیق (هویت ملی) را تبیین کرده است.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، هویت ملی.

مقدمه

پرسش از «هویت»^۱ افراد و ملت‌ها یکی از دغدغه‌های فکری بشر در طول تاریخ به شمار می‌رفته است. در واقع انسانها از دیرباز به دنبال تعریف و شناسایی خویش، قبیله، دوستان و ... بوده، در این مسیر بین خود و دیگران تمایز ایجاد کرده و بدین طریق ارزش‌ها و هنجارهای خاص خودشان را بازنمایی کرده‌اند (زهیری، ۱۳۸۰: ۱۰۵-۱۰۶). هرچند این مفهوم در دوران پیشامدرن^۲ به «ما»ی جمعی قبیله‌ای، استحاله فرد در جمع یا به تعبیر دورکیمی به «وجدان جمعی»^۳ محدود می‌شد اما با رنسانس و شکل‌گیری انقلاب صنعتی، شهرنشینی، اصلاحات مذهبی، انقلاب‌های سیاسی، ظهور دولت‌های مدرن و ... تغییر ماهیت داد، از شکل سخت و ذاتی جدا شد و صورتی سیال و متغیر به خود گرفت؛ به گونه‌ای که افراد در دنیای مدرن قادر شدند در آن واحد هویت‌های متفاوتی را برای خود برگزینند و برچسب‌های شناسایی^۴ ملی، دینی و ... را اختیار کنند (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۶). برای مثال هویت از نگاه مانوئل کاستلز^۵ فرایند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی یا یک دسته ویژگی‌های فرهنگی که بر دیگر منابع معنا برتری دارند تعریف می‌شود. به نظر او معنا ساز بودن هویت بر ساختگی بودن آن نیز دلالت می‌کند. معنا خاصیت ذاتی واژه‌ها و اشیاء نیست، بلکه همیشه نتیجه توافقی یا

1. Identity
2. Pre-Modern
3. Collective Conscionsness
4. Identify labels
5. Manuel Castells

عدم توافق است؛ لذا هویت نیز چیزی طبیعی، ذاتی و از پیش موجود نیست بلکه همیشه باید ساخته شود (پرووس^۱، ۲۰۰۴: ۱).

به طور کلی، می توان گفت، هویت امری نسبی بوده و پیوسته در حال ساخت می باشد. بدین جهت در تعریف هویت می توان گفت: «هویت عبارت از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگ، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان است که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه، به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر، دلالت می کند و آنها را در یک ظرف مکانی و زمانی معین به طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه ها و افراد متعلق به آنها متمایز می سازد» (الطایی، ۱۳۸۲: ۱۳۹).

هویت ملی^۲ نیز مفهومی نسبی است که به عنوان یکی از برچسب های شناسایی افراد در جامعه مطرح می شود. هویت ملی را می توان به عنوان مجموعه معناسازی بر مبنای نظامی به هم پیوسته از ویژگی های فرهنگی، تاریخی، سیاسی و جغرافیایی تعریف کرد که طی آن افراد در چارچوب عضویت در یک جامعه سیاسی، در قبال آن احساس همبستگی، تعهد و وفاداری می کنند (زهیری، ۱۳۸۴: ۳۲). هویت ملی یا جامعه ای در واقع محصول دولت های ملی بعد از دوران رنسانس می باشند. زایش دولت هایی با قلمرو جغرافیایی مشخص، نمادهای فرهنگی غرور آفرین، زبان و میراث تاریخی مشآذری و ... موجب شکل گیری «ما»ی جامعه ای در بسیاری از کشورهای اروپایی شد که این روند به آرامی با استقلال بسیاری از کشورهای مستعمره به سایر کشورهای جهان نیز وارد شد (زهیری، ۱۳۸۰: ۱۰۶).

با توجه به اینکه هویت ملی خمیرمایه اصلی روند ملت سازی^۳ یا کشورسازی^۴ به شمار می رود (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۱۸)، می توان این گونه نتیجه گرفت که شبکه روابط اجتماعی چندگانه و برون گروهی (سرمایه اجتماعی^۵) موجب ارتباطات گسترده میان افراد در درون گروه های متفاوت شده و در نتیجه احساس فاصله اجتماعی افراد را نسبت به هم کاهش می دهد

1. Peter Prevos
2. National Identity
3. Nation Building
4. State Building
5. Social Capital

و در رابطه با موضوع هویت موجب شکل یافتن هویت جمعی و کل در میان افراد با حفظ هویت‌های درون‌گروهی می‌شود. در واقع میزان بالای سرمایه اجتماعی موجب ایجاد ارتباطات متفاوت و متنوعی میان گروه‌های هویتی ایرانی می‌شود و بدین طریق از میزان فاصله اجتماعی در میان آنان کاسته می‌شود و در مقابل فقدان سرمایه اجتماعی و به‌ویژه سرمایه اجتماعی تعمیم یافته موجب کاهش ارتباطات و ایجاد فاصله اجتماعی، عدم مدارای اجتماعی، بدبینی اجتماعی و ... در میان گروه‌های هویتی در کشور می‌شود. بدین منظور پژوهش حاضر در پی آن است که رابطه سرمایه اجتماعی و هویت ملی را در میان گروه‌های هویتی ایرانی جستجو کند. این پژوهش هم‌چنین در پی آن است که میزان سرمایه اجتماعی را در میان این گروه‌ها مورد سنجش قرار دهد. علاوه بر این موارد، متغیرهای سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی و نقش آنها را در تبیین متغیر هویت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ادبیات پژوهش

مطالعات نظری و تجربی فراوانی در رابطه با سرمایه اجتماعی در ایران صورت گرفته است؛ از جمله می‌توان به رابطه سرمایه اجتماعی و اقتصاد (علمی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۳۹؛ قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۴۳)، سرمایه اجتماعی و خانواده (روحانی، ۱۳۸۹: ۷؛ روحانی، ۱۳۹۰: ۸)، سرمایه اجتماعی و توسعه (کهنه‌پوشی و فردوسی، ۱۳۸۷: ۸۰؛ فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۷؛ برامکی‌یزدی، ۱۳۸۷: ۱۶۱)، سرمایه اجتماعی و دین (براتلو و صنایع، ۱۳۸۸: ۲۷)، سرمایه اجتماعی و امنیت (رداد، ۱۳۸۷: ۱۸۶)، سرمایه اجتماعی و بزهکاری (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۷)، سرمایه اجتماعی و مسئولیت اجتماعی (ایمان و جلائیان‌بخشنده، ۱۳۸۹: ۱۹)، سرمایه اجتماعی و حکمرانی (سردارنیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۵؛ پورمحمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۵) و مطالعات بی‌شمار فراوان دیگری در حوزه‌های گوناگون اجتماعی اشاره کرد که در حوصله این مقاله نمی‌گنجد. مطالعات نظری فراوانی نیز در رابطه با سرمایه اجتماعی صورت پذیرفته است. اما آنچه قابل تأمل است مطالعات تجربی داخلی اندکی درباره رابطه سرمایه اجتماعی و هویت ملی صورت پذیرفته است. در این میان مطالعات قادرزاده و معیدفر

(۱۳۸۹: ۹۶)، عبداللهی و قادرزاده (۱۳۸۲: ۱)، رضایی و احمدلو (۱۳۸۴: ۴)، خدایی و مبارکی (۱۳۸۹: ۱) و شیانی و همکاران (۱۳۸۸: ۵۷) قابل ذکر می‌باشند.

خدایی و مبارکی (۱۳۸۹: ۱) در پژوهش خود با عنوان «سرمایه اجتماعی و هویت: رابطه متقابل» سعی در بررسی و شناسایی نوع رابطه هویت و سرمایه اجتماعی و هم‌چنین تعیین سازوکارهای بینایی بوده‌اند. یافته‌های آنها به طور کلی نشان‌دهنده این واقعیت هستند که رابطه متقابل و معنادار مثبتی میان هویت جامعه‌ای و سرمایه اجتماعی وجود دارد. قادرزاده و معیدفر (۱۳۸۹: ۹۶) در مطالعه‌شان معتقدند که توسعه اجتماعی بدون حضور فعالانه و کنش‌های ارتباطی بین گروهی و بین قومی امکان‌پذیر نمی‌باشد. نتایج تحقیق بیانگر این واقعیت است که میزان سرمایه اجتماعی در میان نمونه مورد بررسی پایین می‌باشد. از جانب دیگر روابط انجمنی در میان افراد مورد مطالعه نیز پایین می‌باشد. به علاوه اعتماد تعمیم یافته به نهادهای رسمی نیز در میان پاسخ‌گویان پایین است و به جای اعتماد تعمیم یافته، اعتماد ویژه‌ای به افراد و گروه‌های هم‌قومی وجود دارد که این امر مانعی جدی بر سر راه تقویت وفاق فرهنگی و اجتماعی و تعریض و تحکیم اجتماع یا انسجام جمعی عام است. شیانی و همکاران (۱۳۸۸: ۵۷) در مطالعه‌ای در صدد برآمده‌اند سرمایه اجتماعی جوانان کل کشور را از نظر روابط انجمنی و اعتماد به مسئولان بررسی کنند. نتایج آنها حاکی از این واقعیت است که میان قومیت و سرمایه اجتماعی مشارکت‌کنندگان رابطه معناداری وجود دارد که نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی درون گروهی میان آنان است. از سوی دیگر زبان تکلم و سرمایه اجتماعی نیز دارای رابطه معنادار مثبتی هستند؛ در واقع سرمایه اجتماعی افرادی که به زبان محلی یا غیر فارسی در خانواده تکلم می‌کنند بیشتر از فارس‌زبان‌ها است. رضایی و احمدلو (۱۳۸۴: ۷) در مطالعه‌شان سعی داشته‌اند رابطه میزان سرمایه اجتماعی و نقش آن در میزان روابط بین قومی و هویت ملی جوانان کرد ساکن شهر مهاباد و جوانان آذری‌زبان ساکن در شهر تبریز را بررسی کنند. آنها هم‌چنین به مقایسه این دو گروه از نظر میزان داشتن هر یک از متغیرهای فوق پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده این واقعیت است که میزان هویت ملی پاسخ‌گویان در حد بالایی بوده است اما در مقابل میزان سرمایه اجتماعی گروه‌های مورد مطالعه پایین و میزان روابط بین قومی پاسخ‌گویان بسیار پایین است. گرایش به سایر اقوام، میزان روابط بین قومی را تقویت می‌کند و

هر دو متغیر فوق تأثیر مثبتی بر میزان هویت ملی جوانان دارند. سرمایه اجتماعی نیز بر روی گرایش به سایر اقوام، روابط بین قومی و هویت ملی تأثیر مثبتی داشته و آنها را تقویت می کند. عبداللهی و قادرزاده (۱۳۸۲: ۱) در تحقیق شان به دنبال بررسی فاصله قومی و عوامل مؤثر بر آن بوده اند. نتایج پژوهش آنها حاکی از این واقعیت است که کردهای شهر بانه کمترین فاصله اجتماعی را با فارس و ترک زبانها احساس کرده اند و بیشترین فاصله را با مردم عرب داشته اند. از سوی دیگر نتایج پژوهش نشان می دهد که کمبود سرمایه اجتماعی در میان پاسخ گویان نه فقط مانع ارتقای سطح شناخت اعضای یک قوم از اقوام دیگر می شود بلکه میزان و پهنه تعاملات آنان را محدود به میدانهای اجتماعی خاص خانوادگی و قومی می سازد و با تشدید تعاملات درون گروهی و ضعف تعاملات بین گروهی، خاص گراییهای اجتماعی و فرهنگی از جمله قوم مداری تشدید می شود.

موایر^۱ (۲۰۱۱: ۹۵۹) در مطالعه ای به بررسی سرمایه اجتماعی رسمی، غیررسمی و عمودی در ایرلند شمالی پرداخته است. نتایج وی حاکی از این حقیقت است که عضویت افراد در شبکه های اجتماعی موجب افزایش سرمایه های اجتماعی رسمی، غیر رسمی و عمودی^۲ مردم می شود و علاوه بر آن رابطه بین اجتماعات مختلف را بهتر می کند. کوته^۳ و اریکسون^۴ (۲۰۰۹: ۱۶۷۹) در مطالعه ای به بررسی این موضوع پرداخته اند که چگونه اشکال گوناگون سرمایه اجتماعی، نگرش های مربوط به اقلیت های قومی و مهاجرین را شکل می دهند. نتایج آنها حاکی از این است که مشارکت در سازمانها و انجمن های داوطلبانه موجب ایجاد مدارا بین شهروندان کانادایی، مهاجرین و اقلیت های قومی می شود. گتسوایزن^۵ و همکارانش (۲۰۰۸: ۱۲۱) در مطالعه ای سعی در بررسی تنوع قومی و سرمایه اجتماعی در اروپا داشته اند. بدین منظور آنها سعی در آزمون نظریه اخیر پاتنام کرده اند. هم چنان که پاتنام در قضیه ای این گونه توضیح می دهد: هر چه تنوع قومی بیشتر شود، الف) اعتماد اجتماعی کمتر می شود، ب) سرمایه

1. Muir
2. Formal, Informal and linking Social capital
3. Côté
4. Erickson
5. Gesthuizen

اجتماعی درون گروهی نیز کم می شود، ج) سرمایه اجتماعی بین گروهی نیز کم می شود. بدین منظور گت سوایزن و همکارانش در مطالعه‌ای چند ملیتی در ۲۸ کشور اروپایی به آزمون نظریه پاتنام پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که نظریه پاتنام در رابطه با جوامع اروپایی صدق نمی کند زیرا تفاوت در میزان سرمایه اجتماعی پاسخ گویان اروپایی بیشتر به وسیله نابرابری‌های اقتصادی کشورها و تاریخ ملی دموکراسی کشورها قابل تبیین است تا بر اساس تفاوت قومی و چند قومی بودن کشورها. رینولدز^۱ (۲۰۰۷: ۳۸۳) در مطالعه خود در پی بررسی شبکه دوستی، سرمایه اجتماعی و هویت قومی جوانان کاراییی در انگلستان بوده است. نتایج حاکی از آن است که جوانان کاراییی دارای شبکه گسترده‌ای از روابط اجتماعی و دوستی از تمام قومیت‌های دیگر در انگلستان بوده اما کیفیت روابط دوستی آنها و نزدیک‌ترین و بهترین دوستانشان از جوانان هم‌قومی خود (کاراییی) بوده است. در واقع جوانان کاراییی از سرمایه اجتماعی درون گروهی^۲ بیشتر از سرمایه اجتماعی برون گروهی^۳ استفاده می کنند.

پاتنام^۴ (۲۰۰۷: ۱۳۷) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه تنوع قومی و سرمایه اجتماعی در آمریکا پرداخته است. پاتنام معتقد است هر چند در طولانی مدت تنوع قومی فواید فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی و... زیادی دارد اما در کوتاه مدت تنوع قومی موجب کاهش همبستگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی می شود. پژوهش‌های وی در مناطقی از آمریکا که دارای بافت قومی بودند نشان داده است که اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی چه رسمی و چه غیر رسمی، نوع دوستی و تعداد دوستان نسبت به سایر مناطق کاهش داشته است. کرپلمان^۵ و وایت^۶ (۲۰۰۶: ۲۱۹) در مطالعه خود در پی بررسی رابطه هویت و سرمایه اجتماعی در میان جوانان آفریقایی - آمریکایی بوده اند. آنها معتقدند که سرمایه اجتماعی برای رفاه جوانان در آینده در کشور آمریکا بسیار مفید واقع می شود. این دو محقق متوجه شدند که جوانانی که به هویت خود بستگی و تعهد قوی تری داشتند کیفیت سرمایه اجتماعی بیشتر و بهتری را از خود نشان داده‌اند.

1. Reynolds
2. Bonding social capital
3. Bridging social capital
4. Putnam
5. Kerpelman
6. White

برگر^۱ و همکارانش (۲۰۰۴: ۴۹۱) در مطالعه‌شان سعی در بررسی رابطه عضویت انجمنی مهاجرین قومی و سرمایه اجتماعی آنها داشته‌اند. نتایج حاکی از آن است که عضویت و فعالیت در نهادهای مدنی و داوطلبانه آلمانی موجب بهتر و بیشتر شدن یکپارچگی سیاسی کلی و هویت جمعی آنها نسبت به کشور آلمان می‌شود. اما در رابطه با عضویت در انجمن‌های قومی و افزایش حس جمعی و یکپارچگی سیاسی شک و تردید زیادی وجود دارد.

چارچوب نظری تحقیق

مفهوم «سرمایه اجتماعی»^۲ در چند دهه اخیر بحث‌های فراوانی را در حوزه‌های مختلف علمی از جمله جامعه‌شناسی (بوردیو^۳، ۱۹۸۶: ۲۴۱؛ لین^۴، کوک^۵ و بارت^۶، ۲۰۰۱: ۳؛ لین، ۲۰۰۴: ۳؛ بارت، ۲۰۰۵: ۱)، علوم سیاسی (پاتنام، ۱۹۹۵: ۶۵؛ ۱۹۹۳: ۱؛ ۲۰۰۷: ۱۳۷؛ کلمن^۷، ۱۹۸۸: ۹۵؛ فوکویاما^۸، ۲۰۰۱: ۷؛ ۱۹۹۹: ۱؛ ۲۰۰۲: ۲۳ و ۲۰۰۵: ۸۹)، اقتصاد (سرسوسیمو^۹، ۲۰۰۸: ۲۰۸؛ وولب^{۱۰}، ۲۰۰۸: ۳۷۳؛ کریشنا^{۱۱}، ۲۰۰۸: ۴۳۸) و سایر حوزه‌های مربوط برانگیخته است. اصطلاح سرمایه اجتماعی اولین بار توسط هانی فان^{۱۲} (۱۹۱۶م.) به کار برده شد (اجتهادی، ۱۳۸۶: ۴) اما برخی متفکرین، ژاکوب^{۱۳} (۱۹۶۷م.)، پیرسون^{۱۴} (۱۹۶۰م.) و لوری^{۱۵} (۱۹۷۷م.) را آغازگر و مبدع سرمایه اجتماعی می‌دانند (وولکاک^{۱۶}، ۱۹۹۸: ۱۵۵). در هر حال

1. Berger
2. Social Capital
3. Bourdieu
4. Lin
5. Cook
6. Burt
7. Coleman
8. Fukuyama
9. Cersosimo
10. Wolleb
11. Krishna
12. Hani Fan
13. Jakobe
14. Pearson
15. Loury
16. Woolcock

این مفهوم در کارهای بوردیو (۱۹۸۳؛ ۱۹۸۰)، پاتنام (۱۹۹۳؛ ۱۹۹۵؛ ۲۰۰۰؛ ۲۰۰۷)، کلمن (۱۹۸۸؛ ۱۹۹۰) و بارت (۲۰۰۵) توسعه و گسترش پیدا کرد (علمی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۴۳؛ غفاری، ۱۳۸۵: ۸۷).

با تمام این وجود این مفهوم را می‌توان در دین اسلام نیز جستجو کرد. دارا (۱۳۸۹) معتقد است که شبکه روابط اسلامی همیشه جز اصلی آموزه‌ها و اجتماعات مسلمانان بوده است. وی در این رابطه به شبکه‌های اجتماعی مساجد، هیئت‌ها و جلسات مذهبی، مدارس مذهبی و اسلامی و ... اشاره می‌کند. از جانب دیگر وی معتقد است که هنجارها و قوانین اسلامی نیز بر بعد جمعی و اجتماعی تأکید فراوانی داشته‌اند و در واقع قوانین و دستورات اسلامی کاملاً جمعی است. وی به طور کلی معتقد است که شبکه‌های روابط اجتماعی اسلامی و هنجارهای جمعی اسلامی و آیین‌های جمعی در واقع نظریه سرمایه اجتماعی مدرن را به ذهن‌ها متبادر می‌سازد (دارا، ۱۳۸۹: ۸۹). کوهکن (۱۳۸۸) با اشاره به مولفه‌های ساختاری سرمایه اجتماعی در اسلام، معتقد است که اولین اصل ساختاری سرمایه اجتماعی اسلامی در آیه‌ی شریفه‌ی «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا» متبادر گشته است و اصل دوم یعنی توسعه اجتماعات مذهبی در «و اذکرو نعمه الله علیکم اذ کنتم اعداء فأصبحم بنعمته اخواناً» نمایان است (کوهکن، ۱۳۸۸: ۱۳۰). از جانب دیگر وی به مولفه‌های اجتماعی اعتماد و ارتباط در جوامع مسلمانان اشاره می‌کند: امانتداری، وفای به عهد، حقوق برادران مومن، قرض الحسنه، قائده کتابت، انفاق، وقف، اخوت و برادری، یکپارچگی امت اسلامی، توبه اجتماعی، عدالت، ایثار، تزیید خوبی، خیرخواهی عمومی (کوهکن، ۱۳۸۸: ۱۴۰-۱۳۴).

به طور کلی لین (۱۹۹۹: ۳۰) نظریه‌های مربوط به سرمایه را در دو قسمت نظریه‌های کلاسیک و نظریه‌های سرمایه جدید (خود در سه حوزه سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه انسانی تقسیم می‌شود) دسته‌بندی می‌کند.

جدول شماره ۱: نظریه‌های سرمایه

نظریه‌های سرمایه جدید			نظریه کلاسیک		
سرمایه اجتماعی		سرمایه فرهنگی	سرمایه انسانی	سرمایه	
بورديو، کلمن، پاتنام	لین، بارت، مارسدن، فلپ، کلمن	بورديو	اسکولز، بکر	مارکس	نظریه پرداز
همبستگی و بازتولید گروه	دسترس و استفاده از منابع نهفته در شبکه‌های اجتماعی	بازتولید نمادها و معانی غالب (ارزش‌ها)	انباشت ارزش اضافی کارگران	ارتباطات اجتماعی: استثمار کارگران توسط سرمایه‌داران (بورژوازی)	تبیین
سرمایه گذاری در تشخیص و تصدیق متقابل	سرمایه گذاری در شبکه‌های اجتماعی	درونی سازی یا شناخت نادرست ارزش‌های غالب	سرمایه گذاری در عرصه دانش و مهارت‌های فنی	الف) قسمتی از ارزش مازاد بین ارزش مصرف (در بازار مصرف) و ارزش مبادله (در بازار کار-تولید) ب) سرمایه گذاری در تولید و گردش کالاها	سرمایه
فرد/گروه	فرد	فرد/طبقه	فرد	ساختاری (طبقات)	سطح تحلیل

منبع: لین، ۱۹۹۹: ۳۰ و غفاری، ۱۳۸۵: ۸۶.

چنان‌که در جدول نشان داده شده است نظریه‌های مربوط به سرمایه، از نظریه‌های کلاسیک مارکس تا نظریه‌های جدید سرمایه در قالب سرمایه انسانی، فرهنگی و اجتماعی بسط یافته‌اند. نظریه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی در دو گروه مورد بررسی قرار گرفته‌اند که عامل طرح آنها در دو گروه، سطح تحلیل آنها می‌باشد. نظریه‌هایی که سطح تحلیل آنها فرد می‌باشد استفاده از منابع نهفته و سرمایه گذاری در شبکه‌های اجتماعی برای افراد را یادآور می‌شوند. اما دسته دوم که نمایندگی آن را بورديو، کلمن و پاتنام بر عهده دارند، هم در عرصه فردی و هم

در عرصه جمعی به بررسی سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند و به طور کلی سرمایه اجتماعی را در رابطه با همبستگی و بازتولید گروه در نظر گرفته‌اند. با وجود این، ابهامات و مباحثات فراوانی در ابعاد مختلف این مفهوم در بین نظریه پردازان وجود دارد.

جدول شماره ۲: مباحثات موجود در خصوص سرمایه اجتماعی

موضوع	مغایرت (مباحثه)	مشکل
دارایی جمعی یا فردی (کلمن، پاتنام)	سرمایه اجتماعی به عنوان دارایی جمعی	ابهام در هنجارها اعتماد
باز یا بسته بود شبکه‌ها (بورديو، کلمن، پاتنام)	گروه باید بسته یا متراکم باشد	بینش جامعه طبقه‌ای و غیبت تحرک
کارکردی (کلمن)	سرمایه اجتماعی به وسیله تأثیرش بر کنشی خاص نشان داده شده است	تکرار و حشو (علت به وسیله معلول تعیین شده است)
سنجش (کلمن)	غیر قابل سنجش	استدلالی است نه باطل شدنی

منبع: لین، ۱۹۹۹: ۳۳.

همچنان که در جدول نمودار است، لین به برخی از ابهامات موجود در نظریه‌های این نظریه پردازان اشاره می‌کند. برای مثال، وی مدعی است در حالی که کلمن بر این موضوع تأکید می‌کند که چگونه اشخاص می‌توانند از منابع ساختاری - اجتماعی برای دسترسی به نتایج بهتر در کنش‌های فردی‌شان استفاده کنند، اما سهم زیادی را به ماهیت جمعی سرمایه اجتماعی در تأکید بر اعتماد، هنجارها، قانون، اقتدار، و بسته بودن به عنوان بخش یا اشکالی از سرمایه اجتماعی اختصاص می‌دهد (لین، ۱۹۹۹: ۳۳). با وجود این با توجه به موضوع پژوهش حاضر، سرمایه اجتماعی نه در بین افراد بلکه در بین گروه‌های قومی مورد سنجش قرار می‌گیرد و به بررسی دقیق‌تر نظریات نظریه پردازانی که سطح تحلیل خود را در عرصه فرد و گروه قرار داده‌اند پرداخته می‌شود.

در این میان پاتنام، اشکال سرمایه اجتماعی را منابع اخلاقی کلی یک جامعه می‌داند. سرمایه اجتماعی در نظر وی از عناصری تشکیل شده است که وجود این عناصر پیشرفت اقتصادی،

اجتماعی و سیاسی را برای هر کشور به ارمغان می‌آورد. پاتنام این عناصر را الزامات اخلاقی و هنجارها، ارزش‌های اجتماعی (به ویژه اعتماد) و شبکه اجتماعی (به ویژه انجمن‌های داوطلبانه) می‌داند. در واقع اگر کشور یا منطقه‌ای از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردار باشد این بدان معناست که آن کشور یا منطقه از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار است (عطار، ۱۳۸۸: ۱۳۴). وی از دو نوع سرمایه اجتماعی یاد می‌کند و آنها را از هم تمییز می‌دهد. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (غیررسمی) یا محدود که شامل ارتباط با دوستان، همکاران، همسایه‌ها و افراد نزدیک به شخص می‌شود و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (رسمی) یا تعمیم‌یافته که عضویت در سازمان‌های مدنی، شبکه‌ها و... را در بر می‌گیرد (پاتنام، ۲۰۰۷: ۱۴۳).

پاتنام (۲۰۰۷) در نظریه جدید خود با استفاده از داده‌های وسیع پیمایش‌های انجام شده در ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۰م، به این نتیجه رسیده که تنوع قومی و مهاجرت، انزوای اجتماعی را افزایش داده و نشان می‌دهد که در مناطق دارای اجتماعات قومی متفاوت، معمولاً مردم گرایشی به ارتباط با مردم از قوم دیگری را ندارند؛ این روند به گونه‌ای است که حتی این افراد به افراد هم‌قومی یا همسایه‌ها و اطرافیان خود نیز بی‌اعتماد می‌شوند (پاتنام، ۲۰۰۷: ۱۴۸). وی هم چنین معتقد است که تنوع قومی موجب فرسایش سرمایه اجتماعی مانند اعتماد به نهادهای دولتی، مشارکت فعال در طرح‌های اجتماعات محلی، مشارکت در خیریه‌ها، نهادهای داوطلبانه و داشتن دوستان صمیمی می‌شود (پاتنام، ۲۰۰۷: ۱۵۰). به طور کلی پاتنام معتقد است که ساختار چندقومی هم موجب فرسایش همبستگی درون‌گروهی (ارتباطات اجتماعی غیر رسمی نظیر رابطه با دوستان، خانواده و...) و هم فرسایش همبستگی برون‌گروهی (ارتباطات اجتماعی رسمی نظیر اعتماد به نهادهای دولتی، مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه و...) میان افراد می‌شود. گث‌سوزیان نظریه پاتنام را در قالب قضیه زیر مطرح می‌کند:

قضیه شماره ۱: تنوع قومی زیاد / موجب / الف) کاهش اعتماد اجتماعی؛ ب) کاهش سرمایه اجتماعی غیررسمی (ارتباط با دوستان، همکاران و دوستان)؛ ج) کاهش در سرمایه اجتماعی رسمی (عضویت در نهادها، اعتماد به نهادها) می‌شود (گث‌سوزیان، همکاران، ۲۰۰۸: ۱۲۳).

پاتنام با یادآوری این مسأله که نتایج نظریه او بر پایه داده‌های جمع‌آوری شده در کشور آمریکا بوده است محققان سایر کشورها را دعوت می‌کند که به بررسی تجربی رابطه احتمالی

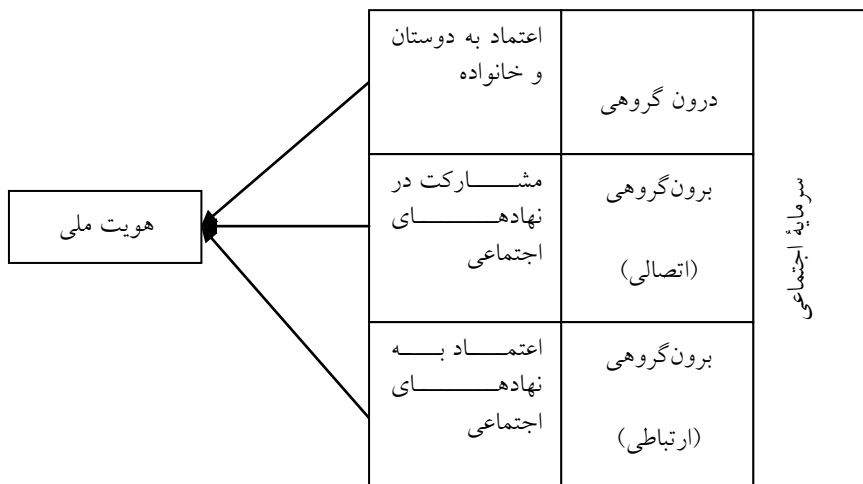
«تنوع قومی و فرسایش» در درون کشورهای مختلف پردازند (پاتنام، ۲۰۰۷: ۱۶۳). کشور ایران نیز از جمله کشورهایی است که دارای بافت چندقومی بوده و بر اساس تبیین نظری بر پایه نظریه پاتنام، افراد می‌بایست از میزان پایینی از سرمایه اجتماعی برخوردار باشند و در نتیجه همبستگی اجتماعی و جمعی (هویت ملی) آنها نیز پایین باشد.

بر اساس پژوهش‌های پیشین صورت گرفته، اقوام ایرانی از سطح پایینی از سرمایه اجتماعی برخوردارند و اغلب از اقوام دیگر شناخت کافی ندارند. پژوهشگران این امر را ناشی از نداشتن ارتباطات کافی میان اقوام دانسته‌اند (عبداللهی و قادرزاده، ۱۳۸۲: ۳۰). در واقع با توجه به پژوهش‌های پیشین صورت گرفته و با توجه به چارچوب نظری پژوهش، می‌توان این‌گونه به جمع‌بندی در قالب قضیه زیر رسید که:

قضیه شماره ۲: با افزایش میزان ارتباطات اجتماعی: الف) سرمایه اجتماعی درون‌گروهی افزایش می‌یابد؛ ب) سرمایه اجتماعی برون‌گروهی افزایش می‌یابد؛ ج) میزان قوم‌مداری کاهش می‌یابد؛ د) میزان هویت ملی افزایش می‌یابد.

بدین منظور، پژوهش حاضر سعی دارد تا به بررسی تجربی رابطه سرمایه اجتماعی با هویت ملی و قومی پردازد. در واقع با توجه به قضیه شماره ۲، نقش ارتباطات اجتماعی و سرمایه اجتماعی در گرایش به هویت ملی آشکار است و با افزایش سرمایه اجتماعی، افراد از هویت‌های خاص و قومی خود جدا شده و هویت جمعی در آنها افزایش می‌یابد.

مدل نظری پژوهش



فرضیه های پژوهش

۱. بین سرمایه اجتماعی درون گروهی و هویت ملی رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین سرمایه اجتماعی برون گروهی (اتصال) (مشارکت در نهادهای دانشگاهی) و هویت ملی رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین سرمایه اجتماعی برون گروهی (ارتباطی) (اعتماد به نهادهای عمومی) و هویت ملی رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر مبتنی بر روش پیمایشی بوده و از پرسشنامه به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده است. پرسشنامه شامل سؤالاتی در سنجش سرمایه اجتماعی (در دو بعد ۱. سرمایه اجتماعی درون گروهی یا محدود شامل ۶ گویه؛ ۲. سرمایه اجتماعی برون گروهی یا تعمیم یافته در دو قسمت الف) مشارکت در شکل های مختلف دانشجویی شامل ۷ گویه؛ ب) اعتماد به نهادهای اجتماعی شامل ۱۰ گویه) و سؤالاتی در سنجش هویت ملی (شامل ۱۱ گویه) است. در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ از میان پانزده هزار دانشجوی دانشگاه شیراز، با

استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه گزینشی با ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد (فرض بالاترین حد واریانس در جمعیت) برابر با ۳۸۶ نفر انتخاب شدند. اما با توجه به اینکه پژوهش در پی بررسی گروه‌های هویتی متفاوت ایرانی بود در نتیجه زمینه هویتی دانشجویان (بر اساس محل تولد) نیز از روابط عمومی دانشگاه استخراج شد. بعد از دسته‌بندی تعداد دانشجویان به گروه‌های هویتی متفاوت، با توجه به محدودیت‌های مادی و زمانی پژوهش، محققان به بررسی ۳ گروه هویتی ایرانی (کرد، آذری، لر) و گروهی از دانشجویان فارس‌زبان پرداختند. در این میان به دلیل حجم بالای دانشجویان فارس‌زبان (بیش از ۵۰ درصد)، نیمی از نمونه از دانشجویان فارس‌زبان و نیمی دیگر از سایر گروه‌های هویتی انتخاب شدند. لازم به ذکر است که برای تسهیل مقایسه بین پاسخگویان، از هر گروه هویتی آذری، لر و کرد ۷۰ نفر انتخاب شدند. انتخاب دانشجویان از هر گروه هویتی نیز بر اساس نمونه‌گیری سهمیه‌ای متناسب، از روی فهرست نام دانشجویان انجام شد. به دلیل اینکه فقط نام و نام خانوادگی، محل تولد و رشته دانشجویان در دسترس پژوهشگران قرار گرفته بود (هیچ‌گونه اطلاعات برای تماس برقرار کردن با دانشجو در اختیار پژوهشگران نبود) مصاحبه با آنان و تکمیل پرسشنامه‌ها با مشکلاتی مواجه بود که به همین منظور حجم نمونه به ۶۰۰ نفر (۳۰۰ پرسشنامه برای دانشجویان فارس‌زبان و ۳۰۰ پرسشنامه برای سایر گروه‌های هویتی) ارتقاء داده شد. از میان پرسشنامه‌های عودت داده شده، ۲۴۵ نمونه مربوط به فارس‌زبان‌ها و ۲۱۰ مورد از سایر گروه‌های هویتی مورد بررسی قرار گرفت.

تعاریف مفاهیم، روایی و اعتبار پژوهش

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی در شکل کلی آن به ارتباطات مختلف بین شبکه اجتماعی افراد اطلاق می‌شود. پاتنام از دو نوع سرمایه اجتماعی یاد می‌کند و آنها را از هم تمیز می‌دهد. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (غیر رسمی) یا محدود که ارتباط با دوستان، همکاران، همسایه‌ها و افراد نزدیک به شخص را دربرمی‌گیرد و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (رسمی) یا تعمیم یافته که شامل عضویت در سازمان‌های مدنی، شبکه‌ها و... می‌شود (پاتنام، ۲۰۰۷: ۱۴۳). در پژوهش حاضر برای سنجش متغیر سرمایه اجتماعی از ۲۶ گویه استفاده شده

که در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته و پایایی آنها از طریق ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفته است. پایایی (روایی) هر کدام از ابعاد بدین صورت است: سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (قسمت الف مربوط به مشارکت در شکل‌های دانشجویی) برابر با (۰/۷۳) است. متغیر سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (قسمت ب، مربوط به اعتماد به نهادهای اجتماعی) برابر با (۰/۹۳) می‌باشد و متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی برابر با (۰/۷۸) است.

هویت ملی: هویت ملی را می‌توان به عنوان مجموعه‌ی معناسازی‌های مبتنی بر نظامی به هم پیوسته از ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی، سیاسی و جغرافیایی تعریف کرد که طی آن افراد در چارچوب عضویت در یک جامعه‌ی سیاسی، در قبال آن احساس همبستگی، تعهد و وفاداری می‌کنند (زهیری، ۱۳۸۴: ۳۲). در پژوهش حاضر، این متغیر با استفاده از ۱۱ گویه در سطح سنجش فاصله‌ای عملیاتی شده است. پایایی (روایی) این متغیر که از طریق ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شده برابر با (۰/۹۲) است.

اعتبار طیف‌ها و گویه‌های پژوهش نیز از طریق اعتبار صوری و اعتبار سازه (از طریق تحلیل عاملی) به دست آمده است. نتایج تحلیل عاملی نشان‌دهنده‌ی این واقعیت هستند که طیف‌های مورد سنجش بر یک عامل استوار شده‌اند و این امر نشان‌دهنده اعتبار طیف‌ها و گویه‌های پژوهش است. هم‌چنین نتایج آزمون KMO نیز مقادیری بالاتر از ۰/۷۰ را نشان می‌دهد که خود گویای اعتبار آزمون تحلیل عاملی صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۳، میزان سرمایه اجتماعی گروه‌های مورد مطالعه را بر اساس سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی در بین دانشجویان نشان می‌دهد. برای مشخص کردن میزان سرمایه اجتماعی افراد مورد مطالعه هر گروه هویتی در درون گروه هویتی خود، بر اساس دامنه تغییرات مشاهده شده در پژوهش پنج گروه (خیلی پایین، پایین، متوسط، بالا، خیلی بالا) مورد دسته‌بندی قرار گرفته است. با توجه به یافته‌های جدول، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی افراد مورد مطالعه در همه گروه‌های مورد مطالعه متوسط می‌باشد؛ اما سرمایه اجتماعی

برون گروهی در هر دو بعد و سرمایه اجتماعی کل میزان پایینی را نشان می‌دهند. هم‌چنین در هیچ کدام از گروه‌های مورد مطالعه سرمایه اجتماعی بالا یا خیلی بالا مشاهده نشده است.

جدول شماره ۳: میزان سرمایه اجتماعی در گروه‌های مورد مطالعه

میانگین		دامنه تغییرات		فارس زبان‌ها	گروه‌های هویتی			موارد
میانگین نظری کل موارد	میانگین کلی مشاهده شده	حداکثر کل موارد	حداقل کل موارد		آذری	کرد	لر	
۲۰/۰۰	۱۹/۵۶	۳۰/۰۰	۷/۰۰	۱۹/۸۶ متوسط	۲۰/۳۵ متوسط	۱۸/۹۴ متوسط	۱۸/۷۵ متوسط	سرمایه اجتماعی درون گروهی
۹/۰۰	۱۰/۶۵	۳۰/۰۰	۷/۰۰	۱۰/۶۳ خیلی پایین	۱۰/۳۵ پایین	۱۰/۵۵ پایین	۱۱/۱۸ خیلی پایین	سرمایه اجتماعی برون گروهی (مشارکت در نهادهای دانشگاهی)
۲۲/۰۰	۲۲/۹۲	۵۰/۰۰	۱۰/۰۰	۲۰/۷۲ پایین	۲۲/۱۲ پایین	۱۷/۷۷ پایین	۲۳/۹۸ پایین	سرمایه اجتماعی برون گروهی (اعتماد به نهادهای عمومی)
۳۳/۰۰	۳۳/۵۷	۷۴/۰۰	۱۷/۰۰	۳۴/۱۰ پایین	۳۲/۴۸ پایین	۲۸/۳۲ پایین	۳۵/۱۷ پایین	سرمایه اجتماعی برون گروهی کل
۵۳/۰۰	۵۳/۱۳	۹۷/۰۰	۲۷/۰۰	۵۳/۷۸ پایین	۵۲/۸۴ پایین	۴۷/۲۷ پایین	۵۳/۹۲ پایین	سرمایه اجتماعی کل

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۴، بیشترین گرایش به هویت ملی به ترتیب در میان گروه هویتی لر، فارس زبان‌ها، گروه هویتی آذری و در نهایت گروه هویتی کرد وجود داشته است.

جدول شماره ۴: میانگین گرایش گروه‌های هویتی به هویت ملی

فارس زبان‌ها	آذری	کرد	لر	هویت ملی
۴۱/۱۴	۴۱/۷۰	۳۱/۹۴	۴۰/۷۱	

یافته‌های جدول شماره ۵، رابطه میان سرمایه اجتماعی و هویت ملی را نشان می‌دهد؛ سرمایه اجتماعی به صورت کلی دارای رابطه معنادار مثبت و قوی‌ای با تمام گروه‌های هویتی در رابطه با هویت ملی پاسخگویان داراست. این رابطه بین گروه هویتی لر بسیار قوی می‌باشد و میان سایر گروه‌های هویتی و فارس‌زبان‌ها رابطه قوی‌ای وجود دارد. به طور کلی جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی درون گروهی با هویت ملی در هیچ کدام از گروه‌ها رابطه معناداری ندارد. زیرا سرمایه اجتماعی درون گروهی که شامل اعتماد به دوستان و آشنایان و در کل اعتماد ویژه و خاص را نشان می‌دهد رابطه معناداری با هویت ملی و جامعه‌ای که ارتباطات اجتماعی را طلب می‌کند ندارد. اما در سرمایه اجتماعی برون گروهی که نشان دهنده رابطه افراد نه با خویشاوندان که با افراد غیر خویشاوند و اعتماد به سازمان‌ها است، این واقعیت پدیدار می‌شود که این دو گونه سرمایه اجتماعی به صورت کامل با هویت ملی ارتباط دارند.

جدول شماره ۵: رابطه میان انواع سرمایه اجتماعی و هویت ملی

هویت ملی				موارد
فارس‌زبان	آذری	کرد	لر	
۰/۱۰	۰/۲۳	۰/۰۶	۰/۱۴	سرمایه اجتماعی درون گروهی
۰/۱۷**	۰/۲۰	-۰/۰۸	۰/۳۶**	سرمایه اجتماعی برون گروهی (مشارکت در نهادهای دانشگاهی)
۰/۴۶**	۰/۳۷**	۰/۶۲**	۰/۶۴**	سرمایه اجتماعی برون گروهی (اعتماد به نهادهای عمومی)
۰/۴۷**	۰/۳۸**	۰/۵۲**	۰/۶۶۶**	سرمایه اجتماعی برون گروهی کل
۰/۴۵**	۰/۴۱**	۰/۴۹**	۰/۶۶۵**	سرمایه اجتماعی کل

** معناداری در سطح ۰/۰۱

جدول شماره ۶ نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام را نشان می‌دهد. متغیر سرمایه اجتماعی برون گروهی (۴۴ درصد) ($R^2 = ۰/۴۴$) از تغییرات متغیر هویت ملی را

نزد گروه هویتی لر تبیین کرده است. همین متغیر ۲۷ درصد ($R^2 = 0/27$) از تغییرات متغیر وابسته را در نزد گروه هویتی کرد نیز تبیین نموده است. در میان فارس‌زبان‌ها این متغیر ۲۲ درصد ($R^2 = 0/22$) از تغییرات متغیر هویت ملی را تبیین نموده است و در نهایت در میان گروه هویتی آذری متغیر سرمایه اجتماعی برون‌گروهی ۱۴ درصد ($R^2 = 0/14$) از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده است.

جدول شماره ۶: متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون برای تبیین واریانس هویت ملی

گروه‌های هویتی	مراحل ورود متغیرها	متغیر	R	R ^۲	مقدار F	Sig	مقدار اضافه شده به R ^۲	Beta	T	Sig.T
لر	اول	سرمایه اجتماعی برون‌گروهی	۰/۶۶	۰/۴۴	۵۴/۲۳	۰/۰۰۰	۰/۴۴	۰/۶۶	۷/۳۶۴	۰/۰۰۰
کرد	اول	سرمایه اجتماعی برون‌گروهی	۰/۵۲	۰/۲۷	۲۶/۰۴	۰/۰۰۰	۰/۲۷	۰/۵۲	۵/۱۰	۰/۰۰۰
آذری	اول	سرمایه اجتماعی برون‌گروهی	۰/۳۸	۰/۱۴	۱۱/۷۱	۰/۰۰۰	۰/۱۴	۰/۳۸	۳/۴۲	۰/۰۰۱
فارس‌زبان	اول	سرمایه اجتماعی برون‌گروهی	۰/۴۷	۰/۲۲	۶۹/۱۰	۰/۰۰۰	۰/۲۲	۰/۴۷	۸/۳۱۳	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و هویت ملی در بین سه گروه هویتی کرد، آذری و لر و گروهی از دانشجویان فارس‌زبان در دانشگاه شیراز پرداخته است. این پژوهش به روش پیمایشی انجام شده و داده‌های مورد نیاز از ۴۵۵ دانشجوی دانشگاه شیراز جمع‌آوری

شده است. با بررسی منابع و متون پیشین، فضای بین رشته‌ای تحقیقات در زمینه سرمایه اجتماعی نشان داده شد و محدودیت پژوهش در زمینه سرمایه اجتماعی و رابطه آن با هویت ملی مورد اشاره قرار گرفت. مفهوم سرمایه اجتماعی و نظریات گوناگون در رابطه با آن نیز در بخش چارچوب نظری ذکر و نظریه پاتنام برای بررسی و تبیین نظری پژوهش انتخاب شد.

نتایج پژوهش، نظریه پاتنام را مورد تأیید قرار دادند. هرچند سرمایه اجتماعی درون گروهی در میان هر سه گروه هویتی و فارس‌زبانان وضعیت متوسطی را نشان می‌دهد اما این دسته‌بندی دقیقاً در کرانه اولیه طیف متوسط قرار می‌گرفتند و در واقع با اغماض می‌توان پذیرفت که سرمایه اجتماعی درون گروهی این گروه‌های هویتی و فارس‌زبانان در حد پایین می‌باشد. از سوی دیگر، میزان سرمایه اجتماعی برون گروهی افراد در سطح پایین و حتی در بعد مشارکت در نهادهای دانشگاهی در میان فارس‌زبانان و گروه هویتی لر این مقدار سرمایه اجتماعی بسیار پایین است. سرمایه اجتماعی کل نیز در میان تمام گروه‌های هویتی و فارس‌زبانان پایین می‌باشد.

نتایج پژوهش حاضر همگام با نتایج رضایی و احمدلو (۱۳۸۴: ۷) این واقعیت را نشان می‌دهد که هر چند میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان پایین بوده اما سرمایه اجتماعی تأثیر مثبتی بر هویت ملی داشته است. نتایج خدایی و مبارکی (۱۳۸۹: ۱) نیز رابطه متقابل و معنادار مثبت میان هویت ملی و سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد. با توجه به این که در پژوهش حاضر رابطه مثبت و معناداری میان سرمایه اجتماعی و هویت ملی نشان داده شد می‌توان همگام با نتایج عبداللهی و قادرزاده (۱۳۸۲: ۱) این نتیجه را مستخرج کرد که کاهش سرمایه اجتماعی مانع ارتقای سطح شناخت اعضای یک گروه هویتی از اعضای گروه یا گروه‌های هویتی دیگر می‌شود و در مقابل با افزایش سرمایه اجتماعی هویت جمعی و ملی افراد افزایش می‌یابد، زیرا در واقع ارتباطات اجتماعی موجب شناخت افراد از هم می‌شود. عبداللهی و قادرزاده (۱۳۸۲: ۱) نیز در پژوهش خود این نکته را ذکر کرده‌اند که ارتباطات اجتماعی بیشتر کردهای شهر بانه با افرادی از گروه‌های هویتی فارس و آذری موجب شده است که کمترین فاصله اجتماعی را با آنان احساس کنند. نتایج قادرزاده و معیدفر (۱۳۸۹: ۹۶) نیز هم‌سو با پژوهش حاضر این نتیجه را نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی و مشارکت انجمنی مشارکت کنندگان در سطح پایینی قرار دارد و اعتماد اجتماعی درون گروهی بیشتر از اعتماد به نهادهای عمومی و اعتماد

تعمیم یافته است. نتایج شیانی و همکاران (۱۳۸۸: ۵۷) و رینولدز (۲۰۰۷: ۳۸۳) نیز نشان می‌دهد که سرمایه درون گروهی افراد مورد مطالعه بیشتر از سرمایه برون گروهی آنها می‌باشد. برگر و همکاران (۲۰۰۴: ۴۹۱) نیز همانند پژوهش حاضر به این نتیجه رسیده‌اند که عضویت در نهادهای مدنی و در نتیجه افزایش سرمایه اجتماعی موجب بهتر و بیشتر شدن یکپارچگی سیاسی و هویت جمعی می‌شود. نتایج این پژوهش همسو با پژوهش پاتنام (۲۰۰۷: ۱۳۷) در مقابل تحقیق گت سوایزن و همکاران (۲۰۰۸: ۱۲۱) قرار می‌گیرد. موایر (۲۰۱۱: ۹۵۹)، کوته و اریکسون (۲۰۰۹: ۱۶۷۹) نیز مانند پژوهش حاضر معتقدند که عضویت انجمنی موجب افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود و مدارای بین گروه‌های متفاوت را افزایش می‌دهد.

با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود که به طرق مختلف، ارتباطات اجتماعی افراد از گروه‌های هویتی مختلف را ارتقاء داده شود. تا از این طریق اولاً، شناخت افراد از گروه‌ها و فرهنگ‌های دیگر افزایش یابد؛ ثانیاً، اعتماد تعمیم یافته و برون گروهی همگام با اعتماد ویژه و درون گروهی افزایش پیدا کند و ثالثاً، سرمایه اجتماعی افراد ارتقا پیدا کند و در نتیجه هویت جمعی افراد در مقابل هویت قومی و گروهی شان وجه غالب را به خود اختصاص دهد و زمینه برای توسعه و پیشرفت مهیا شود. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود با ارتقاء سطح کیفی و کمی نهادهای داوطلبانه در سطوح خرد و کلان، سعی شود افراد به عضویت در این شبکه‌های نهادی ترغیب شوند تا بدان طریق ارتباطات اجتماعی شبکه‌ای بین قومی و گروهی بین افراد برقرار شده و هویت جمعی و ملی افراد تقویت شود.

پژوهشگاه ملی مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- اخوان زنجانی، داریوش (۱۳۷۲)؛ «بحران سوماتی و مسئولیت جامعه بین‌المللی، اطلاعات اقتصادی و سیاسی، شماره ۶۹ و ۷۰، صص ۳۲-۳۹.
- ایمان، محمد تقی و وجیهه جلاتیان بخشنده (۱۳۸۹)؛ «بررسی و تبیین رابطه بین مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در بین جوانان شهر شیراز»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۱، شماره پیاپی ۳۷، صص ۱۹-۴۲.
- براتلو، فاطمه و محمد صنایع (۱۳۸۸)؛ «درآمدی بر سرمایه اجتماعی بر پایه عقلانیت دینی»،

- نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره ششم، صص ۲۷-۴۳.
- برامکی یزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷)؛ «عوامل مؤثر بر توسعه، مطالعه موردی سرمایه اجتماعی»، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۱۶، صص ۱۶۱-۱۸۵.
- پورمحمدی، محمدرضا؛ حسین‌زاده دلیر، کریم و عیسی پیری (۱۳۸۹)؛ «حکروایی مطلوب شهری بر بنیان سرمایه اجتماعی: آزمون نظم نهادی - فضایی ارتباطی و فاعلیت مندی غیراقتصادی، مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز»، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال اول، شماره اول، صص ۳۵-۵۲.
- خدایی، ابراهیم و محمد مبارکی (۱۳۸۹)؛ «سرمایه اجتماعی و هویت: رابطه متقابل»، دانشنامه علوم اجتماعی، دوره اول، شماره ۲، صص ۱-۳۱.
- دارا، جلیل (۱۳۸۹)؛ «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در موفقیت جریان اسلام‌گرا (۱۳۲۰-۵۷ هـ.ش)»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۱، صص ۷۵-۱۰۶.
- ردادی، محسن (۱۳۸۷)؛ «سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی»، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۱۶، صص ۱۸۶-۱۹۶.
- رضایی، احمد و حبیب احمدلو (۱۳۸۴)؛ «نقش سرمایه اجتماعی در روابط بین قومی و هویت ملی، بررسی جوانان تبریز و مهاباد»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۴، صص ۷-۳۴.
- روحانی، حسن (۱۳۸۹)؛ «خانواده، سرمایه خانواده و چالش‌های فراروی ما»، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۷، صص ۷-۳۳.
- روحانی، حسن (۱۳۹۰)؛ «سرمایه خانواده، سنگ بنای سرمایه اجتماعی»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۹، صص ۷-۴۶.
- زهیری، علیرضا (۱۳۸۴)؛ «چیستی هویت ملی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۲۹-۵۰.
- زهیری، علیرضا (۱۳۸۰)؛ «هویت ملی و انقلاب اسلامی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره شانزدهم، صص ۱۰۵-۱۲۴.

- سردارنیا، خلیل‌الله؛ قدرتی، حسین و علیرضا اسلام (۱۳۸۸)؛ «تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی شهرهای مشهد و سبزوار»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۳۵-۱۶۵.
- شیانی، ملیحه؛ موسوی، میرطاهر و سعید مدنی قهقرخی (۱۳۸۸)؛ «سرمایه اجتماعی جوانان در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۳، صص ۵۷-۸۴.
- عبداللهی، محمد و امید قادرزاده (۱۳۸۲)؛ «فاصله قومی و عوامل مؤثر بر آن در ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۱-۳۶.
- عطار، سعید (۱۳۸۷)؛ پیروردیو از فضای اجتماعی تا سرمایه اجتماعی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۵۲-۲۵۱، صص: ۱۵۸-۱۶۵.
- علمی، زهرا؛ شارع‌پور، محمد و سیدامیرحسین حسینی (۱۳۸۴)؛ «سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۱، صص ۲۳۹-۲۹۶.
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ شارع‌پور، محمد و مهدی ورمزیار (۱۳۸۷)؛ «سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری»، پژوهش زنان، سال ششم، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۳۲.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۵)؛ «مدخلی بر سرمایه اجتماعی»، سیاست داخلی، سال اول، شماره اول، صص ۷۵-۱۰۲.
- فیروزآبادی، سیداحمد؛ حسینی، سیدرسول و روح‌الله قاسمی (۱۳۸۹)؛ «مطالعه شاخص‌ها و رتبه توسعه اجتماعی در استان‌های کشور و رابطه آن با سرمایه اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۵۷-۹۳.
- قادرزاده، امید و سعید معیدفر (۱۳۸۹)؛ «گونه‌ها و سطوح سرمایه اجتماعی در اجتماعات قومی، مطالعه موردی مناطق کردنشین، مجله انسان‌شناسی، سال هشتم، شماره ۱۲، صص ۹۶-۱۲۱.
- قاسمی، وحید؛ آذربایجانی، کریم؛ ادیبی سده، مهدی و خالد توکلی (۱۳۸۹)؛ «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی برون‌گروهی بر توسعه اقتصادی در استان‌های ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۹، صص ۲۴۳-۲۷۰.
- کوهکن، علیرضا (۱۳۸۸)؛ «مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی»، فصلنامه راهبرد یاس،

شماره ۱۷، صص ۸۷-۱۴۱.

- کهنه‌پوشی، مصلح و آرام فردوسی (۱۳۸۷)؛ «سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه»، فصلنامه زیربار، سال دوازدهم، شماره ۶۵ و ۶۶، صص ۸۰-۹۳.
- مهدوی‌نژاد، محمد جواد؛ بمانیان، محمدرضا ندا خاکسار (۱۳۸۹)؛ «هویت معماری؛ تبیین معنای هویت در دوره‌های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن»، نشریه هویت شهر، سال پنجم، شماره ۷، صص ۱۱۳-۱۲۲.

منابع لاتین:

- Berger, Maria; Galonska, Christian and Ruud Koopmans (2004); "Political Integration by a Detour? Ethnic Communities and Social Capital of Migrants in Berlin", *Journal of Ethnic and Migration Studies*, Vol. 30, No. 3, PP 491° 507.
- Bourdieu, Pierre (1986); "The Forms of Capital", in *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, edited by John G Richardson, New York: Greenwood Press.
- Bourdieu, Pierre., and L. P. D. Wacquant (1992); *An Invitation to Reflexive sociology*, Chicago: University of Chicago Press.
- Burt, Ronald (1992); *Structural Holes: The Social Structure of Competition*, Cambridge: Harvard University Press.
- Burt, Ronald (1997); "The Contingent Value of Social Capital", *Administrative Science Quarterly*, Vol. 42, PP 339-365.
- Burt, Ronald S. (2005); *Brokerage and Closure, An Introduction to Social Capital*, New York: Oxford University Press.
- Campbella, Catherine and Carl McLeanb (2002); "Ethnic identities, social capital and health inequalities: factors shaping African-Caribbean participation in local community networks in the UK", *Social Science & Medicine*, Vol. 55, PP 643-657.
- Cersosimo, Domenico and Rosanna Nistico (2008); "Social capital in economics", in *Handbook of Social Capital*, Ed by Dario Castiglione, Jan W. Van Deth and Guglielmo Wolieb, New York, Oxford University Press.
- Coleman, James S. (1990); *Foundations of social theory*, Cambridge: Harvard University Press.
- Coleman, James S. (1988); "Social Capital in the Creation of Human Capital", *The American Journal of Sociology*, Vol. 94, PP 95-120.
- Côté, Rochelle R. and Bonnie H. Erickson (2009); "Untangling the Roots of Tolerance: How Forms of Social Capital Shape Attitudes toward Ethnic Minorities and Immigrants", *American Behavioral Scientist*, Vol. 52 No. 12,

- PP 1664-1689.
- Fukuyama, Francis (1995); "Social Capital and the Global Economy", in Trust: the social virtues and the creation of prosperity, USA: The Free Press.
 - Fukuyama, Francis (1997); "Social capital and civil society", Imf Conference on Second Generation Reforms, October, 1.
 - Fukuyama, Francis (2001); "Social capital, civil society and development", Third World Quarterly, Vol. 22, No. 1, PP 7° 20.
 - **Fukuyama, Francis (2002); "Social capital and Development", *The Coming Agenda, SAIS Review, Vol. 22, No. 1, PP 23-37.***
 - Gesthuizen, Maurice and Tom van der Meer & Peer Scheepers (2008); "Ethnic Diversity and Social Capital in Europe: Tests of Putnam s Thesis in European Countries", Scandinavian Political Studies, Vol. 32, No. 2, PP 121-142.
 - Kerpelman, Jennifer and Lloyd White (2006); "Interpersonal Identity and Social Capital: The Importance of Commitment for Low Income, Rural, African American Adolescents", Journal of Black Psychology, Vol. 32, No. 2, PP 219-242.
 - Krishna, Anirudh (2008); "Social capital and economic development", in the handbook of social capital, Ed by Dario Castiglione, Jan W. Van Deth and Guglielmo Wolleb, New York: Oxford University Press.
 - Lin, Nan (1999); "Building a Network Theory of Social Capital", Connections, Vol. 22, No. 1, PP 28-51.
 - Lin, Nan (2004); Social Capital, A Theory of Social Structure and Action, UK: Cambridge University Press (Virtual Publishing).
 - Lin, Nan; Karen Cook and Ronald S. Burt (2001); Social Capital, Theory and Research, Walter de Gruyter Inc, Manufactured in the United States of America, New York.
 - Muir, Jenny (2011); "Bridging and Linking in a Divided Society: A Social Capital Case Study from Northern Ireland", Urban Studies, Vol. 48, No. 5, PP 959-976.
 - Putnam, Robert D. (1993); "The Prosperous Community, Social Capital and Public Life", The American Prospect, Vol. 4, No. 13, PP 1-11.
 - Putnam, Robert D. (1995); "Bowling Alone: America's Declining Social Capital", Journal of Democracy, January, PP 65-78.
 - Putnam, Robert D. (2007); "E Pluribus Unum: Diversity and Community in the Twenty-first Century", The 2006 Johan Skytte Prize Lecture, Scandinavian Political Studies, Vol. 30, No. 2, PP 137-174.
 - Reynolds, Tracey (2007); "Friendship Networks, Social Capital and Ethnic Identity: Researching the Perspectives of Caribbean Young People in Britain", Journal of Youth Studies, Vol. 10, No. 4, PP 383-398.
 - Turner, J.H. (2003); The Structure of Sociological Theory, USA: Wadsworth

- Wolleb, Guglielmo (2008); "Introduction: Social capital and economic development", in The handbook of social capital, Ed by Dario Castiglione, Jan W. Van Deth and Guglielmo Wolleb, New York: Oxford University Press.

